

Original Article

The Impact of the Translation Movement on the rise and fall of Etezali and Ash'arite Thought

Ali Zarin Mehr¹, Hassan Shadpour^{2*}, Mohammad Nabi Salim³

1. PhD Student in Islamic History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran.

2. Assistant Professor of History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran. (Corresponding author)

Email: hshhadpour@yahoo.com

3. Assistant Professor of History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran.

Received: 10 Mar 2020 Accepted: 1 Jul 2020

Abstract:

Background and Objective: Islamic Civilization in the Early Centuries From the Second Century to the fifth Century AH, Has Passed its Golden Age, and it Was During This Period that Extensive Intellectual and Scientific Ideas and Schools of Thought Were Formed. One of the Influential Currents in This Period Was the Translation Movement, Which Caused the Emergence and Fall of Some Scientific and Philosophical Ideas in the Islamic World.

Materials and Methods: The Method Used in the Present Study is Descriptive-Analytical Based on Theoretical Studies and Library Researches.

Findings: The Translation Movement Has Influenced the Formation of Scientific Currents in the Middle Ages in Various Ways. First, it Promoted Etezali Ideas Through the Translation of Greek and Syriac Works and Their Fusion Into Islamic Culture. Secondly, it Created a Situation in Which the Ash'arites, in Opposition to Etezali Ideas, Resorted to Philosophical Methods and Rose up Against the Mu'tazilites.

Conclusion: The Works of the Translation Movement have Continued Even to This Day and Have Spread Philosophical and Argumentative Ideas in the Islamic World in Various Forms. In Addition, the Rationalism and Discourse-Centeredness of Mu'tazilites' Thoughts and Works Caused Further Discussions and Opinions in the Field of Epistemology of the Islamic World as a Result of the Translation Movement. The Translation Movement and Its Derivatives Have Renewed Religious Modernity Among Iranians After a Long Pause and Created a Philosophical Controversy Between Various Currents, Including the Ash'arites and the Mu'tazilites, Which itself Expresses the Conflict of Opinions in the Golden Age of Islamic Civilization.

Keywords: Translation movement; Etezali; Ash'arite; Civilization of Islam

Please cite this article as: Zarin Mehr A, Shadpour H, Nabi Salim M. The Impact of the Translation Movement on the rise and fall of Etezali and Ash'arite Thought. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 111-123.

تأثیر نهضت ترجمه بر فراز و فرود اندیشه اعتزالی و اشاعره

علی زرین‌مهر^۱، حسن شادپور^{۲*}، محمد نبی‌سلیم^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: hshhadpoor@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: تمدن اسلامی در قرون اولیه یعنی از قرن دوم تا قرن پنجم هجری، دوران طلایی خود را گذرانده است و در همین دوره بود که اندیشه‌ها و نحله‌های فکری و علمی گسترده‌ای شکل گرفت. یکی از جریان‌های تأثیرگذار در این دوره، نهضت ترجمه بود که باعث ظهور و سقوط برخی اندیشه‌های علمی و فلسفی در عالم اسلام شده بود.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است که با تکیه بر مطالعات نظری و تحقیقات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها: نهضت ترجمه از جهات مختلفی بر شکل‌گیری جریان‌های علمی در قرون میانی اثرگذار بوده است؛ اولاً، باعث رشد اندیشه‌های اعتزالی از راه ترجمه آثار یونانی و سریانی و امتزاج آنان در فرهنگ اسلامی شده بود؛ دوماً، وضعیتی را پدید آورد که اشاعره نیز در تقابل با اندیشه‌های اعتزالی، به روش‌های فلسفی متوسل شدند و برعلیه معتزله برخاستند.

نتیجه‌گیری: آثار نهضت ترجمه حتی تا امروز نیز تداوم پیدا کرده و در قالب‌های مختلفی، اندیشه‌های فلسفی و استدلالی را در عالم اسلام گسترش داده است. علاوه بر این، عقل‌گرایی و گفتمان‌محوری افکار و آثار معتزلیان، موجد ادامه بحث و نظر در حوزه معرفت‌شناسی جهان اسلام بر اثر نهضت ترجمه است. نهضت ترجمه و نحله‌های برگرفته از آن، نواندیشی دینی را پس از وقفه‌ای طولانی، در بین ایرانیان تجدید نموده و جدالی فلسفی میان جریان‌های مختلف از جمله اشاعره و معتزله را پدید آورده است که خود بیانگر تضارب آراء در عصر زرین تمدن اسلامی است.

واژگان کلیدی: نهضت ترجمه؛ اعتزالی؛ اشاعره؛ تمدن اسلام

مقدمه

در فرایند تطور هر تمدنی، دوره‌ای از تعامل و همگرایی وجود دارد که طی آن، مدنیت‌ها با اخذ و اقتباس دستاوردهای مادی و معنوی دیگر تمدن‌ها، خود را بهسازی کرده و بر توان درونی خود جهت بقا می‌افزایند. یکی از مؤثرترین حرکت‌های علمی و فرهنگی در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، نهضت ترجمه بود که در طی سده‌های ۳ و ۴ هجری (۹ و ۱۰ م) در حیطه جغرافیایی تمدن اسلامی ظهور یافت و به عنوان ماحصل فرایند فتوحات اسلام و تعامل فرهنگ‌ها، باعث قوام و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی شد. نهضت ترجمه را چه ناشی از پویای اقوام تابعه برای جذب فرهنگی در تمدن اسلامی و چه برگرفته از نیاز خلافت عباسی به رونق علمی به عنوان پشتوانه مشروعیت خود محسوب کنیم، واقعیت آن است که برخلاف دوره اموی، در زمان زمامداری عباسیان شرایط برای نوزایی علمی و فرهنگی در جهان اسلام فراهم شد و فرصت مغتنمی برای ارائه تفاسیر متعدد از اسلام پدید آمد. به همان گونه که خوارج، برداشتی بنیادگرایانه از اسلام و بر اساس خاستگاه عربی خود طرح کرده بودند، جماعتی از موالی ایرانی نیز، با نگرشی فلسفی به تعالیم اسلام، موجد پیدایش تفکر قدریه و سپس مکتب اعتزالی شدند. در شرایطی که با ترجمه بسیاری از آثار فکری و فلسفی از حوزه تمدنی ایران و روم، بازار اشاعه عقاید کلامی و مجادلات فرقه‌ای گرم‌تر می‌شد؛ تفکر اعتزالی به عنوان یکی از آرای نوظهور، تحت تأثیر نهضت ترجمه رواج یافت و رونقی تازه به مباحثات دینی و گفتمان اجتماعی داد.

این تحقیق بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که نهضت ترجمه چه تأثیری در ایجاد مکتب اعتزالی داشت و اختتام نهضت ترجمه با سرنوشت معتزله چگونه پیوند خورد؟ پاسخی که به عنوان فرضیه اصلی مطرح می‌گردد، آن است که ترجمه آثار فلسفی با محوریت خردگرایی، علاوه بر متوجه ساختن معتزلیان به ضرورت خردورزی دینی و تعامل فرهنگی، به فضای گفتمانی روادارانه در سده سوم هجری کمک کرد. اما با تشدید مناظرات فرقه‌ای و سلفی‌گرایی متکلمان، به‌ویژه کلام اشعری، جریان ترجمه و تبادل

فراورده‌های فکری و عقلانی نیز دچار رکود شد. از این رو، هرچند اندیشه اعتزالی، تأثیر زیادی در ملاک قرار دادن اصل تعقل در تعاملات علمی و کلامی و رشد ترجمه داشت، لیکن از سده چهارم و در پی استیلای اشاعره، خردگرایی جای خود را به تبعدگرایی و سلفی‌گری داد. هدف این مقاله آن است که ضمن بررسی چگونگی تداوم و رکود نهضت ترجمه و تبیین تأثیر این نهضت بر مکتب معتزله، پیوند این دو جریان و جنبش علمی و فرهنگی را به بحث گذارد و به واکای زوال این جریان در برابر کلام اشعری برسد.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه پژوهش باید گفت شماری از آثار موجود، اطلاعاتی را به صورت پراکنده در رابطه با موضوع این تحقیق به دست می‌دهند که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود. جدا از تألیفات مستقل غربیان درباره نهضت ترجمه از جمله انتقال علوم یونانی به عالم اسلام از دلیسی اولیری (۱۳۷۲) و تفکر یونانی، فرهنگ عربی از دیمیتری گوتاس (۱۳۸۱) که یکسو نگرانه، این جنبش علمی را مبتنی بر اقتباس از فرهنگ یونان و غرب دانسته است، نگاشته‌های محققان عرب نظیر نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری از رشید جمیلی (۱۳۸۵) یا تاریخ فلسفه در جهان اسلام اثر حنالفاخوری و خلیل‌الجر (۱۳۶۸) نیز از زاویه دیگری، یعنی ارجح دانستن خصلت عربی تمدن اسلامی، نهضت ترجمه را مورد کندوکاو قرار داده‌اند. گرچه تنها یک کتاب به نام نهضت ترجمه از احمد هاشمی و دیگران (۱۳۸۹) توسط نویسندگان ایرانی، به صورت مستقل به نهضت ترجمه اختصاص داده شده، اما مقالات متعددی در این باب به فارسی در دسترس است از جمله نهضت ترجمه در عصر عباسیان از مریم ابراهیمی (۱۳۹۶)؛ نهضت ترجمه و نقل آثار و علوم بیگانگان طی قرون دوم تا چهارم هجری و تأثیرات آن بر تمدن اسلامی از محسن عظیمی اعتماد (۱۳۷۶) و چندین مقاله دیگر که عمدتاً بر توصیف جریان پویای ترجمانی سده‌های دوم تا چهارم هجری متمرکز می‌باشد. درباره معتزله نیز تألیفات مستقلی منتشر شده است من جمله: بررسی و

تحقیق در اصول و آراء و افکار معتزله اثر لنگرودی (۱۳۶۶)؛ تاریخ معتزله اثر نجاج (۱۳۸۵)؛ اندیشه سیاسی معتزله اثر کیانی فرید (۱۳۹۳)؛ کلام شیعه، کلام معتزله از مریم کیانی فرید (۱۳۹۳) و چندین مقاله با عناوین مکتب معتزله از امام (۱۳۴۵)؛ تحقیق در فلسفه کلامی معتزله از فضایی (۱۳۵۴)؛ ریشه‌های عقاید معتزله از عطایی (۱۳۷۱)؛ معتزله، عقاید و افکار آن و اعتزال و رابطه آن با تشیع از جوادی (۱۳۷۸)؛ عوامل پیدایش فرقه کلامی معتزله از شهیدی (۱۳۸۳) و ... اما با این وجود تحقیق مستقلی درباره ارتباط نهضت ترجمه با جریان کلامی اعتزال وجود ندارد که پژوهش حاضر درصدد است تا این خلأ را پر نماید.

مباحث نظری؛ نهضت ترجمه و عناصر شکل‌دهنده آن

در نیمه قرن اول هجری آشنایی اعراب با کانون‌های فرهنگی و علمی در حوزه تمدن‌های همجوار منجر به تعامل فرهنگی شد. نفوذ امویان در شامات باعث گردید تا مسلمانان با مدارس علمی مناطقی چون نصیبین، حران، رها و انطاکیه آشنا شوند و برگزیدگانی را برای ترجمه و قرائت متون علمی دیگر ملل به دربار خود دعوت کنند. از نخستین نمودهای ترجمه در عهد اموی تلاش‌های کسانی مانند خالد بن یزید بود که با نام حکیم آل مروان نیز شناخته می‌شد. بنابر روایات تاریخی، او در زمره اولین کسانی بود که دستور داد تا کتاب‌های طب، نجوم و کیمیا را برایش ترجمه کنند (۱). با فرا رسیدن قرن سوم هجری و حمایت پادشاهانی همچون هارون الرشید و شکل‌گیری تحقیق و تلاش‌های علمی، دوران تازه‌ای از شکوفایی علمی در جامعه اسلامی آغاز شد که عصر زرین تمدن اسلامی نیز نامیده می‌شود.

اما در واقع دوره زمانی عصر ترجمه در سه بخش مشخص تاریخی قرار دارد که نخستین دوره آن از خلافت منصور عباسی آغاز و به وفات هارون الرشید ختم می‌شود. دوره دوم از سال ۱۹۸ تا سال ۳۰۰ ه. ق مقطع زمانی طولانی‌مدتی است که با خلافت مأمون آغاز می‌گردد و به تصریح اکثر محققان، عصر طلایی نهضت ترجمه بوده است. دوره سوم از سال ۳۰۰ تا نیمه اول قرن چهارم است که با وجود تلاش‌های نخبگان

فن ترجمه، عصر افول نهضت علمی مسلمانان به شمار می‌آید، زیرا ضعف عمده دستگاه خلافت اسلامی و تجزیه تدریجی در نظام سیاسی و اجتماعی جهان اسلام در این سال‌ها، فرجامی جز رکود پوی‌های علمی را نمی‌توانست به دنبال داشته باشد. بدین ترتیب مشخص می‌گردد که نهضت ترجمه در سده سوم هجری شکوفا شد و در این بین، مشارکت اندیشمندان متعدد مسلمان و غیرمسلمان در بالندگی این پوی‌ها نقش مهمی داشت. تا جایی که گفته می‌شود ترجمه و نقل علوم یونانی بوسیله اهل ذمه - خاصه نصارا و مجوس انجام شد که بر خلاف اعراب به اقتضای معیشت و تربیت با السنه دیگر آشنا بودند (۲). تألیفات زیادی از زبان‌های یونانی، سریانی، هندی و ... به کوشش محققان و مترجمان به زبان عربی ترجمه شد تا علاوه بر پربرتر کردن ذخیره فرهنگی تمدن اسلام، به جوشش علمی و محققانه دانشوران مستقر در دنیای اسلام و افتتاح باب‌های نوین معرفتی یاری رساند.

نویسندگان معاصر دلایل متعددی را برای بروز و توسعه نهضت ترجمانی سده سوم برشمرده‌اند؛ از جمله نقش انکارناپذیر آموزه‌های اسلامی مبتنی بر سفارش به خردپذیری و علم جوئی، طرح مباحث معرفتی از طرف بزرگان دین به‌ویژه ائمه شیعه و صحابه، ورود ایرانیان به دستگاه خلافت و نقش‌آفرینی در انتقال موارث تمدنی به کارگزاران عرب، انتقال کانون خلافت به عراق، منطقه برخوردار از پیشینه تمدنی کهن و با پایگاه اجتماعی متکثر، نیاز خلفای عباسی به تعامل با اقوام و فرهنگ‌های تابعه بنا به ضرورت سیاست متسامح خود، تأسیس مدارس و تجمیع علما در مناطق شهری و مجموعه عوامل دیگری که در تحقیقات معاصران به تفصیل از آن سخن رانده شده است (۳). نماد شاخص تکوین و تعالی نهضت ترجمه، تأسیس بیت‌الحکمه در دوره هارون و مأمون عباسی بود که ضمن تجمیع شماری از کوشندگان عرصه علم و معرفت در مرکز فرهنگی جهان اسلام یعنی بغداد، باعث شد تا دیگر زمامداران مسلمان نیز به تأسی از این اقدام ارزشمند، به تأسیس کتابخانه، گردآوری دست‌نوشته و تشویق علماء و مترجمان به تألیف و ترجمه و سایر فعالیت‌های مرتبط اقدام کنند. در این دوران، دانشوران با ترجمه علوم بیگانه به عربی،

۴. از دیگر نتایج مهم نهضت بزرگ علمی سده‌های نخستین، توجه به تفسیر قرآن و جدایی آن از علم حدیث بود. پیشتر مسلمانان قرآن کریم را با احادیث پیامبر (ص) و یا اقوال صحابه و تابعین تفسیر می‌کردند. اما در عصر ترجمه تفسیر قرآن از علم حدیث مستقل شد و بیشتر مفسران و شارحان قرآن را با دلایل عقلی تفسیر می‌کردند.

۵. رشد علم کلام در نتیجه نفوذ فلسفه یونان از دیگر نتایج نهضت ترجمه بود.

۶. از دیگر نتایج به وجود آمدن گروه‌های اجتماعی و فرهنگی بود که به تدریج از چارچوب جدل دینی به سوی گفتگوهای علمی و فلسفی روی آوردند، چنان‌که دانشوران این عصر در هنگام ترجمه آثار، تغذیه عقلی شده و به تحشیه و تفسیر مطالب نیز راغب می‌شدند.

در هر حال، نهضت ترجمه در دوران خلافت مامون به اوج خود رسید، ولی در عصر خلیفگان بعدی، به تدریج رو به افول نهاد؛ به‌ویژه زمانی که خلفای بنی‌عباس، از ایرانیان رو برگرداندند و از دوره معتصم، عنصر ترک را به خدمت گرفتند. برخلاف ایرانیان که قومی فرهنگ دوست و مشوق علم و معرفت بودند، ترکان جز به خدمت نظامی کوششی نداشتند و در نتیجه، نهضت ترجمه با از دست دادن هم‌زمان اقتدار سیاسی خلیفگان و تنزل جایگاه معنوی ایرانی‌ها، به اضمحلال گرایید (۵). با این همه، نهضت ترجمه و حفظ اندوخته‌های علمی اسلاف در قالب ترجمه آثار کهن، با بروز ناآرامی‌های سیاسی به مثابه عامل مؤثر و اولیه در تضعیف جریان‌های فرهنگی در تاریخ، بر روند نهضت ترجمه تأثیر مخرب گذاشت. محیط آرام و علمی تبدیل به کانون تشنج‌های سیاسی و تعصبات دینی شد و جوهره دینی فرهنگ اسلامی، یعنی عقل‌گرایی و رواداری به محاق فراموشی سپرده شد. از همین روست که با خروج روح و ذهن فلسفی از دستگاه فکری نهضت نقل و ترجمه، علوم شرعی و ادبیات عربی در نظام علم‌پروری اسلامی برتری یافت. کم‌رنگ شدن نقش فرهنگی بیت‌الحکمه و مهاجرت محققان به دیگر نقاط، همراه با واکنش گروه‌های متعصب به نشر علوم بیگانه و مباحثات فلسفی سبب شد تا از دامنه فعالیت‌های علمی و ترجمه‌ای کاسته شود. به

به پویای مطالعه و تحصیل علمی میدان دادند و پس از دو قرن که تنها به ترجمه و نقل از میراث فرهنگی ملل دیگر اشتغال داشتند، کم‌کم به تحلیل و تحقیق آنها نیز پرداختند؛ به گونه‌ای که بیشتر آثار مکتوب یونانی، سریانی، هندی و ... به جز شماری از آثار تاریخی و ادبی، به عربی ترجمه شدند. همچنین استادان به تحصیل فلسفه، پزشکی، نجوم، ریاضیات، علوم طبیعی، تاریخ، جغرافیا و موسیقی بر اساس شیوه متداول پرداختند. ارزنده‌تر آنکه در مجالس مناظره علمی منعقد در بیت‌الحکمه، علماء، ادبا و فلاسفه آزادانه به ارائه آراء و اندیشه‌هایشان پرداخته و فضای تسامح فکری و فرهنگی جهان اسلام را بسط دادند.

اما این نهضت نیز همچون سایر جنبش‌های فکری تمدن بشری، فراز و فرود داشت. اوج‌گیری نهضت ترجمه در ابتدا برکات و نتایج بسیاری از خود بر جای گذاشت (۴). برخی از دستاوردهای این نهضت عبارت بودند از:

۱. از مهم‌ترین نتایج نهضت ترجمه، توسعه تمدن اسلامی از طریق رویارویی و آمیختگی با مفاهیم فرهنگ‌های سریانی، ایرانی، یونانی، هندی و مصری بود. فرهنگ اسلامی با تمدن‌های کهن درهم آمیخت و بسیاری از موارث علمی آنان به حوزه تمدنی اسلام منتقل شد، روندی که دستاورد برجسته آن شکل‌گیری و توسعه تمدن غنی اسلامی بود.

۲. ظهور و بروز استعدادهای علمی خلاق از دیگر دستاوردهای این نهضت بود. چنان‌که در پرتو این نهضت فکری و فرهنگی، تحولات عظیمی چون ابداعات و ابتکارات علمی، ساختن تجهیزات رصدخانه، باروت، ترکیبات شیمیایی مثل ساختن انواع اسیدها و پیشرفت در داروسازی و گیاهان پزشکی چهره نمود.

۳. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای نهضت ترجمه را ظهور گرایش‌های فکری در زمینه‌گزینش بین تعقل یا تعبد در اندیشه دینی دانست. به عبارت دیگر مسلمانان بر آن شدند تا هرچه را به تعبد و تقلید فرا گرفته بودند، به محک عقل بسنجند. از همین رو، فرقه‌های مختلف با دیدگاه‌های متفاوت پدید آمدند و برای اثبات حقانیت خود و ابطال دلایل مخالفین، به استدلال‌های منطقی روی آوردند.

ادبیات میان مصریان و کلدانیان بود و نویسندگان سریانی زبان بودند که علوم و ادبیات را از مصر به یونان انتقال دادند و زبان یونانی و بابلی و غیره را آموختند (۸).

با ظهور مسیحیت و آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی مسیحیان در غرب آسیا، شماری از فرقه‌های مسیحی برای اثبات حقانیت خود و آلامی که در امپراتوری روم متحمل شده بودند، روایات دینی و فرقه‌ای خود را مکتوب کردند، درحالی‌که در قرون نخستین میلادی، مشاجرات کلامی درباره طبیعت عیسی مسیح جریان پیدا کرده و زعمای مسیحی را به تکاپوی ثبت و ضبط مواضع خود ترغیب می‌کرد. علاوه بر نگارش آثار متعدد به صورت فردی، مطالعات در زمینه کلام و الهیات نیز در مدارس علمی شهرهای ادسا و نصیبین و ... به جریان پیش فرهنگی و ترجمه آثار و علوم در این نواحی یاری می‌رساند (۹). از این‌رو، نسطوریان که به تدریج و بر اثر فشار مخالفان خود به حدود ایران وارد شده بودند، با انتقال علوم نقلی مسیحی - سریانی، بر شکوفایی علمی در عصر ساسانی و به‌ویژه جنبش علمی دوره خسرو انوشیروان تأثیر گذاشتند. این میراث فلسفی منتقل شده از حوزه معرفتی یونان به ایران، در دوران نهضت ترجمه، در قالب برگردان آثار حکمی فلاسفه یونان به زبان عربی تجلی پیدا کرد. این روایت که خلیفه مأمون در خواب ارسطو را ملاقات کرد و سپس به فکر ترجمه تألیفات وی افتاد و از قیصر روم درخواست ارسال کتب علمی و فلسفی را نمود (۱۰) می‌تواند نشانگر این حقیقت باشد که نفوذ دانشمندان سریانی در دربار خلافت، تا آن اندازه بوده که خلیفه عرب را به رویانداری با فلاسفه یونان برمی‌انگیخته است. یکی از این دانشمندان متنفذ و کوشا که نزد خلفای عباسی اعتباری خاص داشت، حنین بن اسحاق بود که بهترین و استوارترین ترجمه‌ها را انجام داد و توسط متوکل عباسی، به سمت «امین دارالترجمه» منصوب شد و نویسندگان و مترجمان در خدمت او بودند و سرانجام در سال ۲۴۲ ه. ق (۸۵۶ م) ریاست بیت‌الحکمه را عهده‌دار گردید. نکته درخور اعتنا آن است که حنین بن اسحاق زبان یونانی را تنها به منزله یک زبان نیاموخت، بلکه فرهنگ یونانی را نیز به همراه آن آموخت تا بهتر بتواند زمینه ترجمه را درک کند (۶).

نظر می‌آید که با گرفتار شدن نویسندگان و مترجمان در جنبه تحقیقات کلیشه‌ای و اقتباس‌های مکرر، این جنبش دیگر چیزی برای عرضه نداشت (۶)، زیرا متون اساسی از مدت‌ها قبل ترجمه شده، مطالعه شده و بر آنها شرح نوشته بودند، لذا آثار ترجمه شده جایگاه خود را در بین دانشمندان از دست داده بودند و اکنون تقاضا متوجه پژوهش‌های روزآمد بود و از اینجا بود که نهضت ترجمه متوقف شد.

البته نباید ناگفته گذاشت که شماری از نویسندگان غربی تلاش داشته‌اند تا با وجود برشمردن برخی از دستاوردهای علمی تمدن اسلامی، مدعی نداشتن سهم انقلابی مسلمین در عرصه اندیشه یا محدود کردن خدمات مسلمانان به حاشیه نویسی بر کارهای یونانیان شوند (۷) و نقش تمدن اسلامی را در تاریخ علوم بشری ناچیز جلوه دهند و وامداری غرب به تمدن اسلامی را انکار کنند. درحالی‌که نقش اساسی تمدن اسلامی در رنسانس و تحولات علمی اروپا قابل انکار نیست و این را می‌توان از پیدایش نهضت ترجمه علوم اسلامی در اروپا در اواخر قرون وسطی دریافت؛ نهضتی که منجر به رنسانس علمی و فرهنگی در جهان غرب گردید.

نقش آفرینان نهضت ترجمه

۱. **سریانی‌ها:** جایگاه تمدن‌های برخاسته از آسیای غربی در انتقال موارث تمدنی بین شرق و غرب قابل کتمان نیست. اگر در شرح حال و ملیت و موطن مترجمان و ناقلان علوم در عصر اسلامی دقت شود، معلوم می‌گردد که بیشتر آنها از مناطق شام و جزیره و عراق بوده‌اند. مرمان این مناطق در میانه دو جهان ایرانی و رومی، به مثابه واسطه‌ای عمل می‌کردند که علوم و آداب و معارف را از زبانی به زبانی دیگر و از تمدنی به تمدن دیگر انتقال می‌دادند. موقعیت جغرافیایی این ناحیه، امکان برقراری ارتباط با سایر مدنیتهای و اقوام جهان باستان را فراهم کرده و بر میزان هوش و استعداد ساکنان این خطه افزوده بود. ممکن نیست دستاوردهای برجسته فنیکی‌ها در تاریخ فرهنگ بشری، یعنی ابداع هجای حروف و الفبا یا توانمندی آنها در عرصه دریانوردی و محاسبات مالی را فراموش کرد. سوریه واسطه نقل علوم و

علوم یونانی بودند، برای تشویق متفکران ایرانی و بازتاب آثار فرهنگی ایران کوشیدند.

در کل، علل اصلی تأثیر ایرانیان در نقل و تدوین و نشر علوم در تمدن اسلامی را چنین می‌توان برشمرد:

(۱) راه‌یابی ایرانیان در دستگاه حکومت و به دست گرفتن قدرت و نفوذ سیاسی.

(۲) گرایش ایرانیان به بحث و نظر با توجه به پیشینه مباحث دینی و سابقه بدعت‌های مذهبی عهد ساسانی

(۳) آشنایی با علوم مختلف از قبیل فلسفه و ریاضیات و طب و دریافت برخی علوم از همسایگان خود.

تأثیر نهضت ترجمه بر کنش معتزله

پدید آمدن مکتب کلامی اعتزال را می‌توان مدیون علل مختلفی دانست. لیکن از منظر پویای فرهنگی در خصوص سده‌های دوم و سوم تاریخ اسلام یعنی نهضت ترجمه باید به دو عامل اساسی اشاره کرد:

۱. تغییر مسیر در ترجمه آثار فرهنگی ملل دیگر، از کتاب‌های طبی و نجوم به آثار فلسفی و حکمی که به دلیل کثرت در ترجمه کتب و کاهش آثار ترجمه نشده، سبب شد تا برگردان و شرح مسلمین بر متون خارجی، متوجه تألیفات در حوزه کلام و فلسفه و منطق شود و راه را برای نهضت‌های کلامی و فلسفی هموار سازد.

۲. علاقه برخی خلفا و کارگزاران نظام حاکم به رواج مباحثات کلامی و بهره‌مندی از گفت‌وگو بین‌الادیان، خواه به جهت تظاهر به دانش‌پروری و روحیه روادارانه و خواه به خاطر جذب اندیشمندان و پاسخ به مناقشات مذهبی موجود.

گواهی مورخان مبنی بر علاقه خلیفه مأمون به جلسات مناظره و کنکاش مذهبی (۱۰) خود حکایت‌گر نفوذ اندیشه خردگرا یا همان اعتزالی بر دستگاه خلافت است. درحالی‌که در دوران خلفای بعد، با استیلاء کلام اشعری که مخالف تعقل در دین بود، پرداختن به براهین عقلی و اجازه آزادی بیان، با قهر و غضب روبه‌رو شد. نقطه اوج، تقابل در دوره استیلای سلجوقیان بر عراق بود که در دستگاه ایدئولوژیک مدارس نظامیه، جز به طرح و قبول کلام اشعری و دین حنفی و

چنین نگرش و کوششی سبب شد تا در رشته‌هایی که از آن کتبی ترجمه شده بود، باب تحقیق و بررسی نیز باز و به نوبه خود به یک تحول مهم یعنی تصنیف آثار اصیل در موضوعات علمی و فلسفی منجر گردد و روح تحقیق و تتبع در حوزه معرفت‌شناسی دمیده شود، چرا که صرف ترجمه و برگردان مطلب، گویای انتقال کالبد ظاهری و صوری آرای گذشتگان بود و نمی‌توانست روح و جوهره افکار قدما و اندیشه نخبگان سلف را نمایان سازد.

۲- ایرانیان: تفوق علمی و فرهنگی ایرانیان بر اعراب، مدت‌ها پیش از روی کار آمدن عباسیان و شاید از دوره پیامبر (ص) مشخص شده بود، تفوقی که از تطور فرهنگ و تمدنی غنی در فرایندی چند هزار ساله مایه می‌گرفت. اما در دوران عباسی بود که کاردانی، تربیت و تهذیب عنصر ایرانی نزد حکمرانان عرب جلوه‌گر و به کار گرفته شد. یکی از نمودهای شاخص تأثیر فرهنگ ایران را باید در انتقال مفاهیم و فنون ادب به ادبیات عرب ملاحظه کرد (۱۱). حکایات و افسانه‌های شیوا و آموزنده چون کلیله و دمنه و هزار افسانه و نیز نامه‌نگاری یا توقیعات و عریضه‌ها که بر مبنای فنون بلاغت استوار بود، در دربار و دستگاه خلفا نفوذ پیدا کرد و نویسندگان و پیشکاران ایرانی، به تأسی از سنن دیوان‌سالاری ایران باستان، هسته اولیه دیوان توقیع و انشاء را پایه گذاشتند و در کنار این اقدام اداری، امثال و حکم فارسی را به عربی ترجمه و مورد استفاده قرار دادند. اما شاید برجسته‌ترین اثرگذاری ایرانیان، پویای در عرصه علوم دینی و نقلی بود. عمده دانشوران مسلمان دوران نوزایی تمدن اسلامی، یا ایرانی بودند و یا با علمای ایرانی حشر و نشر داشتند. از همین رو، نه‌تنها به پاداش خدمتی که به برآمدن بنی‌عباس بر سریر خلافت کردند، نفوذ و تسلطی کامل در دستگاه جهاننداری اعراب و حکام وابسته به ایشان یافتند، بلکه به دلیل کارآمدی و خبرگی خویش توانستند مقامات بالای سیاسی، علمی و فرهنگی را در اختیار بگیرند و رسوم و آیین‌های ملی و مبادی تأدیب ایرانی را رواج دهند (۱۲). یک نمونه از چندین نمونه، خاندان‌های ایرانی و کارگزاری بودند که به جلب امواج انسانی دانشمندان مهاجر برخاستند و مانند برمکیان که خود دوستدار

شافعی، اجازه داده نمی‌شد و علوم عقلی و ابزار رشد آن یعنی بحث و نظر، جایی در محافل علمی نداشت. در حقیقت، اعتلای تفکر اعتزالی در جهان اسلام از اوایل قرن سوم هجری و با ظهور مترجمان ایرانی شروع شد و با کوشش آنها در ترجمه متون مهم فلسفی از حکمایی چون ارسطو و افلاطون، آن هم نه فقط به دست مترجمان عام که به سعی فلاسفه مسلمان نظیر فارابی، کندی، ابن سینا و ... به اوج خود رسید. تلاش ارزنده‌ای که ماحصل آن، گرایش و بهره‌مندی فرقه‌های اسلامی از منطق گفتمان و اندیشه دینی بود و در این بین، پرچم‌دار تمسک به مدرکات و ادله عقلی در تبیین مبانی فکری معتزله بودند. بی‌جهت نبود که سیوطی با تعصب، ایرانیان را کینه‌توز خوانده و مدعی شد که آنها با ترجمه کتب یونانی، دشمنی خود را با اسلام بروز دادند. با به پایان رسیدن خلافت امویان و انتقال قدرت از امویان به عباسیان، ایرانیان نقش مؤثری در دستگاه حکومت پیدا کردند و از پایه‌های اساسی دولت عباسیان به شمار می‌رفتند. ایرانیان که خود را رقیب اعراب و حتی اسلام می‌دانستند، اقدام به آوردن کتب یونانی به سرزمین‌های اسلامی و ترجمه گسترده آنان نمودند. این کتب به شکل قابل توجهی در دسترس مسلمانان قرار گرفته بود (۱۳). همین اقدامات به شکل مؤثری باعث تبادل افکار و عقاید و ترویج تسامح و برخورد علمی میان مسلمانان شده بود و زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه اعتزالی را فراهم آورد. اندیشه‌ای که گرایش‌های عقلانی قابل توجهی را در خود جای داده بود.

از دیدگاه مخالفان خردورزی دینی، انتقال و بازتاب افکار فلسفی و تشکیکی فلاسفه یونان، که از منظر بسیاری از قشریون ملحد تلقی می‌شدند، با تلاش و موافقت معتزله ایرانی‌تبار صورت تحقق پذیرفته و لذا، بر آن بودند که پیروان تفکر اعتزالی، گروهی بیرون از مذهب عموم جامعه اسلامی هستند و هنگامی که طی یک دوره زمانی، اختلافات معتزله و مخالفانشان ریشه‌دارتر شد، اهل سنت نسبت به نقد آرای خود همچون قدرت، صفات، خلق قرآن و عقل و نقل توسط معتزله، معترض شدند و آنها را بریده از مذهب سنت و جماعت تلقی کردند. از طرف دیگر، بسیاری از معتزلیان باور کردند اطلاق

عنوان معتزله به معنای تمایز آنها با اهل سنت است (۱۴). معناشناسی منابع تاریخی از مفهوم اعتزال هم که در روایت مشکوک حسن بصری و اطلاق این عنوان به شاگردش واصل‌بن عطا (۱۵) آمده است، از همین مرزبندی حکایت دارد. به هر جهت، برگردان آثار فلسفی نه‌تنها به واسطه ترجمه حکمای مسلمان، بلکه به دلیل بهره‌گیری متکلمان و معتزلیان از این آثار در روند ساماندهی افکار خود، موجب انتشار آموزه‌های حکمی و ترویج عقلانیت و گرایش‌های منطقی در عالم اسلام شده بود. در این میان، نهضت ترجمه بر اندیشه معتزله اثرگذار بود و اعتزالیون به ترویج عقاید عقلانی می‌پرداختند. بهره‌گیری آنان از روش‌های استدلالی شکاکیان، استدلال‌های فلسفی و اهمیت بخشیدن به علوم منطقی از مهم‌ترین علل رشد اندیشه‌های اعتزالی و گسترش جنبش عقلانی آنان بوده است. یکی از مصادیق توسل به نیروی عقل و استدلال، بحثی بود که درباره آزادی اراده و اختیارمندی انسان از زمان ازارقه در گرفته بود؛ زمانی که با ترجمه نظرات فیلسوف یونانی هراکلیتوس در باب حکمروایی عقل بر همه امور، تمسک به براهین عقلی، مدنظر متفکران مسلمان قرار گرفت. متکلمان شیعی نظیر هشام‌بن حکم و محمدبن نعمان و ... نیز بر آن شدند تا برای پاسخ به دعاوی فرق مخالف، از شیوه استدلالی بهره ببرند. نکته شایان توجه آنکه با وجود آنکه با فرمان متوکل عباسی، اختلاف نظرها در قضیه خلق یا حدوث قرآن به پایان رسید، اما معتزلیان همچنان به فعالیت خود مشغول بوده و گرچه از پشتیبانی خلافت عباسی محروم شدند، لیکن در مناطق دیگر و تحت حمایت امیران محلی و حکومت‌گران مسلمان، به تبلیغ تعالیم و تدوین آثار خویش ادامه دادند. بنابراین درباره اثرگذاری نهضت ترجمه بر رشد و گسترش اندیشه‌های اعتزالی باید گفت که به لحاظ تدوین آثار، این دوره مهم‌ترین دوره معتزله است (۱۶). اگر نگاهی به آثار کلامی معتزلیان در قرن چهارم بیفکنیم، به خوبی مشخص می‌گردد که شمار بسیاری از آثار مکتوب معتزله توسط متکلمانی چون ابوهاشم جبابی (م: ۳۲۱) و قاضی عبدالجبار همدانی (م: ۴۱۵) تألیف شده و این هر دو تحت حمایت وزیر آل بویه یعنی صاحب‌بن عباد (م: ۳۸۵) بودند. به

نوعی شیوه زندگی جدا از مشیت الهی و چالش‌گر برداشتی از زندگی بوده است. جریان معتزله به توجیه‌گر برداشت متفاوتی از مشیت الهی (دین) بدل شد و به همین دلیل سنگ بنای التقاط و سپس علم کلام را گذاشت و علم کلام باعث وجود اشاعره شد. همچنین ذکر این نکته نیز لازم است که آنچه باعث رشد و رونق جریان معتزله گردید، حوادث تاریخی، نفوذ فلسفه عقلی یونان در جهان اسلام، تضاد درون دستگاه حکومتی، علایق شخصی برخی از خلفا، صف‌بندی‌های دینی سنی - شیعی و برداشت‌های محافظه‌کارانه و قشری در برابر برداشت‌های انقلابی در سرزمین اسلامی بود.

تمدن اسلامی وارث دو تمدن بزرگ منطقه یعنی بیزانس و ایران شد. واقعیت دیگر ترکیب این تمدن‌ها با هنجارهای فرهنگی اقوام صحرائشین عربستان بود. بنابراین تمدن اسلام را باید در این ترکیب و در عین حال کشمکش حاصل از این چندگانگی مطالعه کرد. جریان معتزله را خارج از این واقعیت نمی‌توان شناخت. علاوه بر این، دستگاه حکومتی خلفای اسلامی نیز این ویژگی‌ها را در درون خود داشت، تا حدی که بدون مشارکت نخبگان غیر رب پیشرفت آنها میسر نبود. تسخیر تمدن بیزانس انتقال تفکر عقلی فلسفه یونان را با خود داشت. همان‌گونه که تسخیر دستگاه حکومتی ایران، نیازمندی‌های دیوان‌سالاری حکومت جدید اعراب را فراهم کرد. ترجمه آثار علمی و فلسفی یونان به زبان عربی نمی‌توانست روشنفکران عرب و ایرانی مرتبط با دستگاه حکومت را متأثر نکند، ولی روشن است که پیدایش فلسفه عقلی در یونان در شرایط بسیار ویژه‌ای رخ داده بود که آن شرایط در سرزمین اسلامی وجود نداشت. تأثیر فلسفه عقلی یونان در سرزمین اسلامی تنها می‌توانست در محدوده دین رشد یابد. به هر حال این تفکر فلسفی تأثیرات خود را در تعبیر از دین ایجاد می‌کرد؛ به‌ویژه آنکه زمینه برداشت متضاد جبر و اختیار در دین وجود داشت (۱۷). شرایط ذکر شده باعث ظهور اندیشه‌های رقیب شده بود که اعتزالی‌ها را به حاشیه راندند. از مهم‌ترین جریان‌هایی که در عصر رونق نهضت ترجمه و اوج گرفتن اعتزالی‌ها شکل گرفته بود، جریان اشاعره است.

همین دلیل است که گفته شده اگر معتزله توانست به اقتدار ممکن در دولت آل‌بویه برسد، تنها به لطف اعتبار صاحب‌بن‌عباد بود (۱۶).

چنین ارتباط و حمایتی بین پیشوایان فکری معتزله و وزیران ایران دوست آل‌بویه، گواه دیگری بر ادامه پشتیبانی کاربردستان ایرانی از روند تجدید حیات فکری و فلسفی و رواج آموزه‌های خردمدارانه و تأویلی بود. همچنان‌که برامکه از مترجمان آثار فلسفی حمایت کردند، برخی وزرای آل‌بویه نیز به جلب نظر نویسندگان علوم کلامی برخاستند. مجموع شرایط یاد شده باعث شد تا نهضت ترجمه با بهره‌گیری از اندیشه‌های تمدنی مختلف، باعث تنومند شدن جریان اعتزالی در تاریخ تمدن اسلامی شوند. با این حال اندیشه‌های اعتزالی مانند هر اندیشه دیگری، تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلف رو به ضعف نهادند و هم‌رقبای جدی را در مقابل خود می‌دیدند و هم‌عرصه برای نقش‌آفرینی آنان محدود شده بود.

نهضت ترجمه و زوال معتزله

برخی دیدگاه‌ها که به دلایل و عوامل ضعف جریان معتزله توجه نشان دادند، دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح می‌کنند. در وهله اول گفته می‌شود که جریان معتزله از نیرویی فکری، فلسفی به ابزاری دینی - دولتی و سرکوب حکومتی بدل شد. برخلاف نفس و سرشت آزاداندیشی فلسفی، معتزله در خدمت دستگاه اختناق قرار گرفت و خود نه به عامل آزاداندیشی و استقلال فکری، بلکه به عامل کنترل فکری بدل گردید. معتزله به مدافع نوعی برداشت دینی - دولتی بدل شد و واکنش مشابهی نیز در جامعه به وجود آورد (۱۷). دلیلی که برای این مسأله مطرح می‌شود، عنایت پادشاهان عباسی از جمله هارون از جریان‌های اعتزالی بود که باعث پیوند این جریان با دستگاه‌های حکومتی شده بود. این مسأله با به قدرت رسیدن برمکیان و ایرانیان و راه یافتن آنان به مناصب بالای حکومتی بیش از پیش تقویت می‌شود.

همچنین ادله دیگری بیان می‌کند که جریان فلسفه عقلی چه در عصر باستان در یونان و چه در دوران معاصر توجیه‌گر

جریان اشاعره و تقابل با جریان اعتزالی

نهضت ترجمه یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر ظهور و سقوط اندیشه‌های مختلف در عصر شکوفایی تمدن اسلامی بوده است. به همین دلیل علاوه بر گسترش اندیشه‌های اعتزالی، اندیشه‌های اشاعره نیز تحت تأثیر این تحولات پدید آمدند. این ظهور نیز به واسطه تقابل با جریان عقل‌گرایی بود که طی مدت زیادی بر دستگاه حکومتی و فضای اجتماعی مسلمانان شکل گرفته بود. بدین ترتیب اگرچه معتزله بنیان‌گذار علم کلام بود و تلاش می‌کرد که در مباحثات خود از شیوه عقلی (منطق) در مقابل مخالفان استفاده کند، مخالفان نیز آموختند که به همان شیوه متوسل شوند. بدین ترتیب کلام اشاعره در مقابل معتزله به وجود آمد. این شیوه را در اصل مسیحیان به ایران منتقل کردند و ریشه یونانی دارد. از نظر تاریخی جریان اشاعره واکنشی طبیعی و منطبق بر ساختار اقتصادی - اجتماعی دوران بود. از این رو، حکومت‌های دین‌پناه خلافت بغداد و حکام و سلاطین ایرانی، ترک و فارس، دین را ابزار توجیه و مشروعیت قدرت‌های مطلقه خود می‌دانستند. جنبش‌های اجتماعی و فکری نیز در محدوده دینی تولد و پرورش می‌یافتند. معتزله نتیجه تحولات اقتصادی - اجتماعی عصر گسترش اسلام و نفوذ مستقیم فرهنگ یونانی در اسلام بود و این فرهنگ را ایرانی‌ها منتقل کردند (۱۸). در مقابل این دیدگاه فکری که به واسطه نهضت ترجمه گسترش یافته بود، جریان اشاعره شکل گرفت که دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی اعتزالی‌ها را به باد انتقاد گرفته بود. بنیان‌گذار کلام اشعری ابوالحسن علی بن اسمعیل اشعری (۲۶۰-۳۲۴ ه.ق) است. وی ابتدا معتزلی بود، ولی از آنها دوری جست و مدافع مذهب احمد بن حنبل که مورد اذیت حکومت مأمون و معتصم قرار گرفته بود، شد و به اصطلاح از اعتزال خود توبه کرد. بنابراین تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی موجود و طرح اندیشه‌های جدید که بیش از همه به واسطه نهضت ترجمه پدید آمده بودند، اندیشه اشاعره به عنوان یک رقیب جدی مطرح شد. این رویکرد جدید به شکل قابل توجهی به دنبال حذف هرگونه عقلانیت از ساحت اخلاق، علم و سیاست بود و رویکردهای دین‌مدارانه سختی را نیز در پیش گرفت.

در این باره یکی از نویسندگان معاصر عرب گفته است: «دشمنان معتزله تنها وقتی توانستند بر عقل‌گرایی ویژه ایشان غلبه یابند که در بحث و استدلال، همان اصول را اتخاذ کردند؛ زیرا تفکر اسلامی همراه معتزله، گرایشی یافت که هیچ‌گاه از آن عدول نکرد، ولی از این گرایش وسیله‌ای برای استوار ساختن مبادی دین ساخت، به گونه‌ای که میان تقلید و تمسک بدوی به ظاهر کلمات قرآن و تأویل و تفسیری که مقتضیات عقل را حاکم بر نقل می‌ساخت، راه وسطی برگزید. این راه وسط را مردی برگزید که خود، اگرچه از معتزله روی برتافته بود، ... دیری نپایید که مذهب همه اهل سنت و جماعت گشت و این متفکر ابوالحسن اشعری بود» (۱۹). البته این سخن، اندکی جای تردید و تأمل دارد، زیرا اندیشه اشاعره، به مثابه احیاء افکار مرجئه و قدریه بود، افکاری که در طول تاریخ اسلام، بارها توسط مخالفان فلسفه و حامیان پرشور شرع در قالب‌های مختلف حتی در تشیع و توسط اخباریون بازخوانی شد.

با گذشت زمان و با به حاشیه رفتن اندیشه‌های عقل‌گرایانه و اعتزالی‌ها، مذهب اشاعره نیز جایگاه محکمی در دستگاه خلافت پیدا کرد. خلیفه عباسی، القادر بالله که از قضا او نیز اهل تألیف و دانش بود، سخت مدافع اشاعره شد و به سرکوب معتزله پرداخت. با حمایت او سلاطین غزنوی و سلجوقی در ایران با مسلمانان شیعه و مدافعان معتزله مقابله کردند. به عبارتی می‌توان این تحول را گذشته از نقش اعراب ناشی از نفوذ سلاطین ترک در خلافت عباسیان دانست که جای فضلی ایرانی را در حکومت می‌گرفتند. سلاطین ترک سنی مذهب و از شاخه‌های سه‌گانه حنبلی، شافعی و حنفی بودند. با مقایسه این دوران و دوران مأمون مشخص می‌شود که ایرانی‌ها و ترکان و منافع سیاسی خلفا در سمت‌گیری دستگاه خلافت به سود معتزله و اشاعره نقش به‌سزایی داشته‌اند. به هر حال، اگرچه معتزله نمی‌توانست به یک جریان فلسفه عقلی کامل بدل شود، ولی در همان حد عقلی‌نگری دین نتوانست دوام آورد و مورد هجوم دستگاه دینی و سیاسی اهل سنت قرار گرفت و از صحنه خارج گردید، زیرا با تأسیس مدارس نظامیه که مورج فقه شافعی و کلام اشعری بود به مانند

برابر فلسفه ماتریالیستی دفاع می‌کند و فلسفه را کفرآمیز می‌خواند، زیرا فلاسفه علم خداوند را محدود به کلیات می‌دانستند. غزالی این امر را مخالف دین می‌شمرد و معتقد بود که علم خداوند احاطه بر کلیات و جزئیات است. بنابراین «علم کلام» ضمن مخالفت با فلسفه، به استدلال‌های فلسفی (منطق) متوسل شد. بدین ترتیب باید گفت آثار نهضت ترجمه هم باعث رشد و گسترش اندیشه‌های عقلانی و اوج گرفتن اندیشه اعتزالی در میان مسلمانان شده بود و هم رویکردهای بیرون از تمدن اسلامی که توسط نهضت ترجمه میان مسلمانان شکل گرفته بود (رویکردهای فلسفی و استدلالی) بیش از پیش بر علیه خود اعتزال‌گرایان نیز به کار گرفته شد و باعث ترویج اندیشه اشاعره و غلبه بر اعتزال‌گرایان شد. بنابراین می‌توان گفت بخش مهمی از تاریخ اعتزال‌گرایان و اشاعره تحت تأثیر نهضت ترجمه و کارکردهای آن در میان مسلمانان قرار داشته است.

نتیجه‌گیری

از اواسط قرن اول هجری و در پی حرکت تدریجی به سمت خلق فرهنگ اسلامی و تدبیر در تاریخ و باورهای دینی، زمینه برای تغییر در نگرش‌های فکری در جهان اسلام فراهم شد. طبیعی بود برای بسترسازی چنین تغییری نخست باید فرهنگ اجتماعی عرب از سرچشمه‌های معرفتی فرهنگ‌های دیگر ملل متمدن بهره‌مند می‌شد. هرچند، قرآن و روایات، منشاء عظیمی برای معرفت‌افزایی بودند، لیکن همچنان‌که معتزله باور داشتند، باید از مبدا نخست معرفت، اصولی چون توحید و عدل و صفات خدا، یعنی همان عقل استفاده می‌شد. در اینجا بود که نهضت ترجمه که در نگاه اول برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های علمی و حکمی ملل متمدن جهان برپا شده بود، خیلی زود مسیر بایسته و اصلی خود را شناخت و به انتقال دانش‌های فلسفی و منطق از یونان و ایران به عالم اسلام مبادرت کرد.

کاربرد نیروی استدلال از سوی متفکران مسلمان که نهضت ترجمه بدان شدت بخشید، علاقه‌مندی برخی خلفا به اندیشه اختیار و نشان دادن میل به مباحثات کلامی با صاحبان عقاید

دستگاه ایدئولوژیکی عمل نمود که امکان ظهور فقیه و دانشمندی خارج از این محدوده فکری را به سختی میسر می‌نمود، زیرا هرکس که به دنبال کسب دانش و رشد در نظام دیوانی سلاطین سلجوقی و دستگاه خلافت عباسی بود، باید از نظام فکری مدارس نظامیه کسب دانش هدایت شده، کلام اشعری را می‌برد. در هر صورت با تفوق اندیشه اشعری بر دستگاه حکومت، بحث در باب تفکر اعتزالی محدود به جلسات بحث و رد این مکتب فکری در مدارس نظامیه گشت و صاحب‌نظرانی چون امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق) و امام فخر رازی (۵۴۳-۶۰۶ ه.ق) متکلم و مفسر قرآن، با موضوع مخالفت با نظر معتزله بدون آنکه به دام افراط و تعصب اشاعره بیفتند، به دفاع از روش اشاعره پرداختند و با ورود تعداد زیادی از صاحب‌نظران دینی به حوزه کلام، اندیشه اشاعره در حد فلسفه اسلامی ارتقاء یافت. آنها به تجزیه و تحلیل مباحثی پرداختند که در حوزه فلسفه انجام می‌گرفت، تا جایی‌که متعصبان دینی آنان را به کفر و بی‌دینی متهم کردند. حتی رویکردهای اعتزال‌ستیزی آنان و بهره‌گیری از رویکردهای فلسفی برای طرد اندیشه آنان تا جایی پیش رفت که برخی بر این عقیده هستند که غزالی به عنوان یکی از مهم‌ترین نمایندگان جریان اشاعره، یکی از هدف‌های اصلی خویش را مبارزه با جریان‌های فلسفی زمان خویش قرارداد و هرگز نتوانست کاملاً از تأثیر فلسفه آزاد شود (۲۰).

روشن است که مجادلات فکری و فلسفی دو جریان اعتزالی و اشاعره، تحت تأثیر متغیر دیگری یعنی نهضت ترجمه قرار داشته است که هر کدام به انحاء مختلف و با نیاتی خاص درصدد غلبه بر دیگری بودند. حتی تأثیرپذیری اشاعره از نهضت ترجمه جهت بی‌اثر کردن اندیشه‌های اعتزالی تا جایی پیش رفت که دینداران نیز رویکردهای فلسفی اشاعره را خطرآفرین تلقی می‌کردند. به عنوان مثال، مخالفت دینداران به‌خصوص فقهای مالکی مذهب در مخالفت و رد غزالی باعث شد تا حکم به سوزاندن آثار او دادند. اگرچه او علیه فلسفه نیز موضعی مخالف داشت و نتوانست رضایت متعصبان دینی را جلب کند. غزالی در رد فلسفه، تهافت‌الفلاسفه را نوشت. وی در این اثر از الهیات و فلسفه و حکمت مشاء (حکمت ارسطو) در

غیراسلامی یا حتی کافران و مشرکان باعث شد مطالعه آثار غیراسلامی، در دستور کار نهاد خلافت و کارگزاران واقعی آن یعنی طبقه نخبه ایرانی قرار گیرد. لازمه برقراری یک امپراتوری اسلامی، تسامح و تساهل فرهنگی و مذهبی بود و وزیران ایرانی شاغل در دربار عباسی، چنین ضرورتی را با برپائی مجالس بحث و گفتمان و تشویق دانشمندان به ترجمه متون کهن، به خلیفگان بغداد گوشزد کرده بودند. در نتیجه، عوامل ذیل به رشد خردورزی دینی و برآمدن معتزلیان به عنوان یک گروه اندیشه‌ورز مسلمان آن هم در دوران تعالی حکومت اسلامی و تشکیل امت هزار قومیتی و چندفرهنگی مسلمان منجر شد:

۱. نفوذ ایرانیان در دستگاه سیاسی حاکمیت و کوشش آنها برای جلوگیری از ارائه تفسیر ظاهرمانانه و عربی از اسلام که به زعم آنها مغایر با رسالت جهانی پیامبر اسلام بود.
 ۲. ترجمه و نقل آثار فلسفی توسط آشنایان با زبان سریانی یا مترجمان چیره‌دست که به‌ویژه پس از برپایی مناظرات در محافل فرهنگی، به انتقال ادله و مدرکات فلاسفه یونان به حوزه کلام اسلامی کمک کرد.
 ۳. برپایی جلسات بحث و کنکاش دینی و هم‌زیستی فکری اندیشمندان ادیان در یک گفتمان به قسمی که بازار خطابه و ردیه‌نویسی و بالاخص جدل و مباحثه را گرم‌تر نمود.
- در هر حال، ترجمه آثار حکمی و در نتیجه گسترش علوم فلسفی سبب شد رویکرد معتزله که گرایش به آزادی عمل و لزوم عقلانیت در اسلام داشتند، جای خود را در بین کانون‌های علمی و فرهنگی باز کند و ایمان تقلیدی صرف، جای خود را به تفکر و پژوهش در پذیرش آرا دهد تا مسلمان خردپیشه نظریات مختلف را با سنگ محک عقل مورد سنجش قرار دهند. حتی در استفاده از آموزه‌های قرآنی، نگرش تفسیری، نه بر مبنای رویکرد اخباری و مبتنی بر حدیث، بلکه بر پایه استدراکات عقلی و تفسیر بر مبنای فهم معنا و محتوای آیات را معیار قرار دهند. نگرش و رویه‌ای که تا زمان ظهور مخالفان سرسخت علوم یونانی یعنی غزالی و ابن‌تیمیه در سده‌های ششم و هفتم به رشد علوم عقلی در تمدن اسلامی کمک کرد.

References

1. Ebn Nadim. M.E. Alfehrest. Coorrected by: Tajadod. M.R. Tehran: Publisher Asatir; 2002.
2. Zarin koob. A.H. The Results of Islam. Tehran: Publisher Sahami Enteshar; 1968.
3. Ebrihim. M. Movement Translation in Islamic World. Quarterly Journal of Strategic Studies in Humanities and Islamic Sciences. 2017: 17 (10); pp 69-83.
4. Jan Ahmadi. F. Translation movement; Results and Consequences. 2000: 1 (1); pp 86-142.
5. Fayaz. A.A. History of Islam. Tehran: Publisher University of Tehran; 2011.
6. Gutas. D. Greece Thought, Arabia Culture. Trans by: Hanaie Kashani. M.S. Tehran: Publisher University Publications; 200.
7. Crombie. A. From Augustine to Galileo. Trans by: Aram. A. Tehran: Publisher Samt; 2003.
8. Oliri. D. Transfer of Grec Sciences to the Islamic World. Trans By: Aram. A. Tehran: Publisher Universiti Publication; 1995.
9. Safa. Z. History of Rational Sciences in Islamic Civilization. Tehran: Publisher University of Tehran; 1977.
10. Dinvari. A.A. Akhbar Altaval. Trans by: Neshat. S. Tehran: Foundation Iran Cultural; 1967.
11. Mohammadi Malayeri. M. History and Cultural of Iran during the transition from the Sassanid era to the Islamic era. Tehran: Publisher Toos; 2000.
12. Akbarzadeh. R.Sabouri. A. The Translation Movement and the Role and positions of Iranians in it. Journal Research Historical. 2013: 1 (57); pp 137-160.
13. Jamil. R. The translation movement in the east of the Islamic World in the third and fourth Centuries A H. Trans By: Ainehvand. S. Tehran: Publisher Samt; 2006.
14. Badvi. A.R. History of Theological Thoughts in Islam. Trans by: Saberi. H. Mashhad: Publisher Islamic Research Foundation; 1995.
15. Shahrestani. M.A. Explation Melal. Corrceted by: Jalali Naieni. M.R. Tehran: Publisher Ighbal; 1978.
16. Moftehkhari. H. Mutazilite intellectual and Cultural revival in the Fourth Century A H. Journal Islamic Historical. 2004: 5 (20); pp 63-98.
17. Najah. M. Mutazilite Pilitical thought. Trans by: Sadri Nia. B. Tehran: Publisher Elmi and Farhangi; 2006.
18. Madlong. V. Islamic Schools and Sects in the middle Ages. Trans by: Qasemi. J. Mashhad: Publisher Islamic Research Foundation; 1999.
19. Fakhori. H. Khalil. J. History of Philosophy in the Islamic World. Trans by: Ayati. A.H. Publisher Elmi and Farhangi; 1993.
20. Petroshevski. I.P. Islam in Iran. Trans by: Keshavarz. K. Tehran: Publisher Payam; 1975.